

نقد و بررسی

الفنون الأدبية و أعلامها في النهضة العربية الحديثة

دانش محمدی*

خلیل پروینی**

چکیده

الفنون الأدبية و أعلامها في النهضة العربية الحديثة از جمله مهم‌ترین آثار انیس الخوری المقدسی است که در آن به تحلیل فنون نثری و اعلام آن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌پردازد. این جستار می‌کوشد با بررسی این کتاب بر اساس معیارهای تألیف کتاب آموزشی، نقاط مثبت و منفی این اثر را به عنوان پژوهشی در حوزه تاریخ ادبیات تبیین کند. در این بررسی ابتدا تحلیل بیرونی اثر شامل معرفی کلی مؤلف و اثر، خاستگاه تاریخی و اجتماعی اثر، و مؤلف و موضوعات اصلی و کانونی اثر صورت خواهد گرفت. سپس ویژگی‌های شکلی و محتوایی کتاب بررسی خواهد شد. از مهم‌ترین مواردی که در بخش محتوایی بررسی می‌شود رویکرد تحلیلی و روش نقدی نویسنده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد نویسنده در این کتاب رویکرد علمی-فنی و روش نقدی او فنی و جامعه‌شناختی است. از جمله نقاط ضعف کتاب فقدان هماهنگی میان عنوان کتاب و مباحث اصلی آن است. همچنین از جمله نقاط قوت کتاب ارائه روشمند فنون نثری و اعلام آن و دربرگرفتن حجم بالای دیدگاه‌های نقدی و تحلیلی در کنار مسائل تاریخی است.

کلیدواژه‌ها: انیس الخوری المقدسی، الفنون الأدبية و أعلامها في النهضة العربية الحديثة، نقد کتاب، رویکرد علمی-فنی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس d.mohammadi64@gmail.com
** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) parvini@modares.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۰

۱. چهارچوب نظری پژوهش

۱,۱ مقدمه

نیمه اول قرن بیستم دوره مهمی در ادبیات معاصر عربی است؛ زیرا حرکت ادبی، که در قرن نوزدهم در نتیجه ارتباط با غرب شکل گرفته بود، در این دوره نتایج خود را نشان داد. اولین رویکردها و روش‌های جدید نقد و تحلیل ادبی در این دوره از سوی مدارس دیوان، آپولو، و مهجر ظهور کرد.

پژوهش‌های حوزه تاریخ و تحلیل ادبیات نیز با تأثیرپذیری از روش‌های جدید نقد ادبی دچار تحول شد. رویکرد غالب در پژوهش‌های حوزه تحلیل تاریخ ادبیات در اوایل قرن بیستم رویکرد علمی و تاریخی محض بود که پژوهشگر بر اساس آن به ذکر حوادث تاریخی ادبیات و اعلام آن اکتفا می‌کرد. بدون این که تلاشی برای تذوق و نقد و تحلیل فنی ادبیات و آثار بزرگان آن داشته باشد. اما در اواخر نیمه اول قرن بیستم، روش‌های جدید نقد ادبی در تاریخ ادبیات و تحلیل آن نیز تأثیر گذاشت و سبب شکل‌گیری رویکرد جدیدی به نام رویکرد علمی- ادبی شد. در این رویکرد پژوهشگر تاریخ ادبیات فقط به ذکر تاریخی حوادث ادبی نمی‌پردازد، بلکه سعی می‌کند با نقد فنی به تحلیل ادبیات و آثار شاخص آن نیز بپردازد.

انیس الخوری المقدسی نویسنده، ناقد، شاعر، و نمایش‌نامه‌نویس لبنانی از جمله نویسندگانی بوده است که اغلب آثارش در حوزه پژوهش‌های تاریخ ادبیات و نقد ادبی در نیمه قرن بیستم تألیف شده است. با توجه به این که او هم ناقد ادبی بوده است و دیدگاه‌هایی در حوزه نقد ادبی و روش‌های نقد و تحلیل ادبیات دارد و هم یک پژوهشگر حوزه تاریخ ادبیات به شمار می‌رود، بررسی آثارش می‌تواند چگونگی تحول شیوه تاریخ ادبیات‌نویسی از رویکردهای سنتی به رویکردهای جدید را نشان دهد.

نگارندگان در این پژوهش می‌کوشند تا با بررسی فنون الأدبیه و أعلامها فی النهضة العربیة الحدیثه، که یکی از مهم‌ترین آثار انیس المقدسی است، معیارهای شکلی و محتوایی را در آن بررسی کنند.

۲,۱ روش پژوهش

نقد و بررسی کتاب‌های حوزه‌های مختلف چهارچوب‌های مختلفی را می‌طلبد. برای مثال

نقد و بررسی کتابی در حوزه قواعد عربی نیاز به تعیین چهارچوبی بر اساس نظریات آموزش قواعد است. در این چهارچوب شیوه‌های تدریس و تألیف قواعد بر اساس روش‌هایی مثل قیاسی، استقرائی، و متنی باید بررسی شود. در نقد و بررسی کتابی در حوزه مهارت‌های زبانی باید نگاهی به الگوهای آموزش این مهارت‌ها مثل الگوی ارتباطی، شنیداری، گفتاری، و دستور ترجمه داشت. البته همه این چهارچوب‌ها در مواردی مثل ویژگی‌های شکلی (طرح جلد، صفحه‌آرایی، دستور، جامعیت صوری، و ...) و ویژگی‌های محتوایی مثل اخلاق علمی و شیوه ارجاع‌دهی مشترک‌اند.

پژوهش‌های حوزه تاریخ و تحلیل ادبیات نیز به چهارچوبی بر اساس ویژگی‌های خاص این پژوهش‌ها نیاز دارد. در این چهارچوب علاوه بر ویژگی‌های مشترکی که در نقد همه کتاب‌ها وجود دارد، رویکرد و روش تحلیل نیز باید بررسی شود؛ زیرا از یک سو رویکرد و روش نقدی است که با ظهور نظریات جدید دچار تغییر و تحول می‌شود و از سوی دیگر عامل اصلی تفاوت یک پژوهش با پژوهش دیگر در حوزه تاریخ و تحلیل ادبیات است. با توجه به این موارد چهارچوبی که برای نقد و بررسی *الفنون الأدبیه و أعلامها فی النهضة العربیة الحدیثه* طراحی شده، دربرگیرنده موارد ذیل است:

- **تحلیل بیرونی اثر:** ۱. معرفی کلی مؤلف و اثر، ۲. خاستگاه تاریخی اجتماعی اثر و مؤلف، و ۳. موضوعات اصلی و کانونی.

- **بررسی شکلی اثر:** ۱. صفحه‌آرایی، ۲. صحافی، ۳. قواعد ویرایش و نگارش، ۴. جامعیت صوری اثر، ۵. مقدمه و بیان هدف اثر، ۶. فهرست مطالب، ۷. نمودارها و جداول توضیحی، و ۸. فهرست مراجع و اعلام.

- **بررسی محتوایی اثر:** ۱. تحلیل روش‌شناختی اثر، ۲. رویکرد تحلیلی نویسنده، ۳. روش نقدی نویسنده، ۴. میزان تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با سرفصل‌های برنامه درسی، ۵. میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن، ۶. نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر، ۷. رعایت بی‌طرفی نگارنده در نقد و رعایت امانت، ۸. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر از جهت ارجاع به منابع جدید، و ۹. نوآوری و ارزش علمی اثر.

۳,۱ پیشینه پژوهش

نگارنده با جست‌وجویی که از طریق اینترنت در سایت‌ها و کتاب‌خانه‌های کشورهای عربی داشته است، به‌جز چند صفحه که درباره زندگی اوست و در برخی از کتاب‌های اعلام ذکر

شده است، به هیچ پژوهشی در قالب کتاب، پایان‌نامه، و مقاله درباره انیس المقدسی دست نیافته است. در ایران نیز به نظر می‌رسد فقط پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانش محمدی (۱۳۸۹) با عنوان «دراسة آراء أنیس الخوری المقدسی النقدیة» و مقاله پروینی، صدقی و محمدی (۲۰۱۳) با عنوان «أنیس الخوری المقدسی ناقدا (دراسة فی آرائه و مناهجه النقدیة)» به بررسی آثار انیس المقدسی پرداخته‌اند.

در دو پژوهش مذکور تمامی آثار انیس المقدسی از منظر نقد ادبی بررسی شده است و دیدگاه‌ها و روش‌های نقدی او در آثارش در دو سطح نقد نظری و نقد تطبیقی بیان شده است. با وجود این فنون الأدبیه و أعلامها فی النهضة العربیة الحدیثه در دو سطح شکلی و محتوایی به صورت کامل، به گونه‌ای که در این مقاله بررسی شده است، مورد تحلیل قرار نگرفته است.

۲. تحلیل بیرونی اثر

۱،۲ معرفی کلی مؤلف و اثر

انیس مقدسی در ۱۸۸۶ در طرابلس شام به دنیا آمد. تحصیلاتش را در دانشگاه امریکایی بیروت به پایان رساند (رمضان یوسف، بی‌تا: ۹۴؛ کحالة، ۱۹۹۳). مدرک کارشناسی را در علوم و کارشناسی ارشد را در ادبیات عربی کسب کرد. سپس به عنوان مدرس در دانشگاه امریکایی بیروت به تدریس مشغول شد (زرکلی، ۱۹۸۶: ۲۹). از جمله مناصب اجرایی و علمی او عبارت است از:

- عضویت در فرهنگستان زبان عربی دمشق؛

- تدریس در دانشکده پژوهش‌های عربی قاهره برای مدت دو سال؛

- عضویت در فرهنگستان زبان عربی قاهره؛

- دارای مدال شایستگی درجه یک لبنانی، و صاحب جایزه رئیس جمهوری لبنان.

المقدسی در ۱۹۶۷ به دعوت از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران به ایران آمد و سلسله سخنرانی‌هایی را درباره نقد ادبی عربی ایراد کرد که بعدها در کتابی به نام *مقدمه لدراسة التقد فی الأدب العربی جمع‌آوری شد*. او در ۱۷ شباط ۱۹۷۷ درگذشت (www.aud.edu.lb).

المقدسی یک پژوهشگر در حوزه تاریخ ادبیات بود. همچنین درباره شعر، نثر، فنون،

رویکردها، و اعلام آن‌ها در ادبیات عربی قدیم و جدید پژوهش کرد. او به مثابه ناقد ادبی دیدگاه‌های نقدی داشت که در کتاب‌های تحلیلی‌اش پراکنده‌اند.

دیدگاه‌های نقدی انیس المقدسی به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی دیدگاه‌های او در حوزه نقد نظری است که در دو کتاب *مقدمة لدراسة النقد في الأدب العربي و المختارات السائرة من روائع الأدب العربي* ارائه شده است؛ دیگری در حوزه نقد تطبیقی است که شامل مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریات نقدی او درباره ادبیات عربی قدیم و جدید، انواع ادبی شعر و نثر، و نویسندگان و شاعران مشهور و صاحب سبک است. دو کتاب *أمراء الشعر العربي في العصر العباسي و تطوّر الأساليب النثرية في الأدب العربي* پژوهش‌های او در حوزه ادبیات قدیم عربی است. کتاب‌های *أعلام الجيل الأول من شعراء العربية في القرن العشرين، الفنون الأدبية و أعلامها في النهضة العربية الحديثة، و الاتجاهات الأدبية في العالم العربي الحديث* نیز حاوی مهم‌ترین نظریات نقدی انیس المقدسی درباره ادبیات معاصر عربی است.

۲,۲ خاستگاه تاریخی اجتماعی اثر و مؤلف

نقد ادبی عربی، در نیمه قرن بیستم، گام‌های بلندی به سمت نوآوری برداشت. روش‌ها و نظریات نقدی غربی به سرعت در نقد عربی منتشر شد و ناقدان و نویسندگان بزرگی مثل محمد مندور، سید قطب، شوقی ضیف، و زکی مبارک ظهور کردند. در این عصر، پژوهش‌های نظری و تطبیقی در حوزه روش‌های نقدی جدید مثل روش زیبایی‌شناسی، روش تاریخی، روش جامعه‌شناختی، و روش روان‌شناختی صورت گرفت. ناقدانی همچون محمد مندور در اغلب آثار نقدی خود و سید قطب در *النقد الأدبي أصوله و مناهجه* به صورت تئوری و نویسندگانی مثل شوقی ضیف در پژوهش‌های خود در حوزه تاریخ ادبیات عربی به صورت تطبیقی به این روش‌ها پرداختند.

گسترش روش‌ها و نظریات جدید نقد غربی سبب توجه به ویژگی‌های ادبیات بر اساس فنون مستقل آن شد. به دنبال انتشار روش‌های نقدی غربی توجه به فنون ادبی و به‌ویژه فنون نثری مثل قصه زیاد شد.

از این رو پژوهش‌های فراوانی در زمینه فنون ادبی و فنون نثری مثل داستان و نمایش‌نامه در این دوره آغاز شد و زمینه مناسبی در مجلات، روزنامه‌ها، و کتاب‌ها برای بررسی این فنون فراهم آمد (طبان، ۱۹۸۶: ۸۸).

انیس المقدسی نیز همچون سایر ناقدان هم عصر خود به ارائه و بررسی روش‌ها و نظریات نقدی غربی پرداخت. او در مقدمه *لدراسة النقد فی الادب العربی* و در مقدمه *المختارات السائرة* مباحث تئوری درباره نقد ادبی، تعریف، و روش‌های جدید آن بیان می‌کند. این مباحث تئوری هرچند از لحاظ کمیت در حد آثار نقدی ناقدان هم‌عصرش مثل سید قطب، محمد مندور و زکی مبارک نیستند، اما پژوهش‌هایش در حوزه پژوهش‌های ادبی در واقع نوعی تطبیق نظرات و روش‌های نقدی جدید است. پژوهش‌های او بر اساس روش‌های جدید نقد ادبی صورت گرفته است. *الفنون الأدبیه و أعلامها فی النهضة العربیة الحدیثه* از جمله آثار برجسته او در این زمینه است. این اثر از مهم‌ترین منابع در حوزه فنون نثری در عصر مؤلف به شمار می‌رود. از نظر سیر تاریخی این اثر در بین دیگر آثار مؤلف این کتاب بعد از دو کتاب *الاتجاهات الأدبیه فی العالم العربیة الحدیث* و *تطور الأسالیب النثریة فی الأدب العربی* تألیف شده است. در واقع نویسنده بعد از بحث و بررسی اسالیب نثر در ادبیات قدیم و بررسی رویکردهای ادبی حاکم بر ادبیات جدید همچون رویکرد تأملی، تاریخی، و ... به بررسی فنون نثری در عصر حدیث پرداخته است. بنابراین این کتاب را می‌توان نوعی تکمیل‌کننده *الأسالیب النثریة* دانست با این تفاوت که نویسنده در *الأسالیب النثریة* به سبب مستقل نبودن فنون نثری عربی در قدیم به تقسیم این نثر بر اساس اسلوب‌های آن پرداخته، کاری که شوقی ضیف در *الفن و مذاهبه فی النثر العربی* انجام داده است. اما در *الفنون الأدبیه* به سبب مستقل شدن فنون نثری در عصر معاصر نویسنده تقسیم‌بندی خود را بر اساس فنون انجام داده است نه بر اساس اسالیب.

۳,۲ موضوعات اصلی و کانونی اثر

این کتاب بر اساس آنچه نویسنده در مقدمه ذکر کرده است، به دنبال دو هدف است: یکی آشنایی با تحولی که در نثر قرن بیستم به وجود آمد و دیگری تأثیری که پیشگامان حرکت ادبی در این تحول داشته‌اند (مقدسی، ۱۹۹۰: ۵).

کتاب شامل این مباحث است:

- مقدمه دو صفحه‌ای؛

- فصلی با عنوان عصر الرواد (عصر پیشگامان)، که شامل یک مقدمه ۵۰ صفحه‌ای در اوضاع سیاسی - اجتماعی این عصر و ۱۵۰ صفحه نیز درباره چهار ادیب پیشگام این عصر (ناصری، یازجی، رفاعه طهطاوی، فارس شدیاق، و بطرس بستانی) که دیوان آنان به چاپ رسیده است؛

- چهار فصل بعدی (۲۲۳ تا ۲۳۸) هر کدام درباره یک فن نثری و اعلام آن است. این فنون عبارت‌اند از مقاله، سخنوری، قصه، و نقد ادبی.

- صفحات (۶۳۹ تا ۶۶۱) هم به فهرست اعلام (اشخاص، اماکن، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، چاپ‌خانه‌ها، و مراکز علمی) و فهرست کتاب اختصاص داده شده است.

۳. نقد و ارزیابی اثر

۱,۳ نقد شکلی اثر

۱,۱,۳ صفحه‌آرایی، صحافی، و قواعد ویرایش و نگارش

حروف‌نگاری اثر واضح و خواناست. صفحه‌آرایی و صحافی آن نیز مناسب و مطلوب است. جلد آن هم بدون طرح، ساده، و معمولی است. از نظر قواعد عمومی ویرایش و نگارش در حد مطلوب و تقریباً خالی از غلط‌های نگارشی و چاپی است. فقط حرکت همزه قطع در هیچ جای کتاب گذاشته نشده است و بدون علامت و به شکل «ء» ذکر شده است.

۲,۱,۳ جامعیت صوری اثر

۱,۲,۱,۳ مقدمه و بیان هدف اثر

مقدمه کتاب یک صفحه و نیم است که نویسنده در آن، به صورت مختصر اما صریح، هدف مباحث این کتاب را بیان کرده است. هدف نگارش کتاب یکی آشنایی با تحولاتی است که در زبان نثر عربی در عصر حدیث روی داده است و دیگری تحلیل نقش و تأثیر پیشگامان حرکت ادبی در این عصر است. با توجه به این‌که این کتاب ۶۶۱ صفحه دارد، مقدمه‌ای کم‌تر از دو صفحه برای تبیین اهداف، مباحث اصلی، و انگیزه نویسنده از نگارش این کتاب بسیار کم است.

۲,۲,۱,۳ فهرست مطالب، جداول، و نمودارهای توضیحی

فهرست مطالب هم به صورت اجمالی ذکر شده است. کتاب فاقد جدول، تصویر و نمودارهای توضیحی است. البته نمی‌توان انتظار داشت که کتابی که در دهه ۱۹۶۰ میلادی تدوین شده است حاوی جدول و نمودارهای توضیحی باشد.

با توجه به این‌که کتاب یکی از منابع اصلی پژوهشی در حوزه نثر معاصر عربی است و

جنبه آموزشی ندارد و بر اساس روال نگارشی که در دوره نگارش این کتاب وجود داشت کتاب فاقد تمرین، خلاصه، نتیجه و جمع‌بندی در پایان هر مبحث است.

۳،۲،۱،۳ فهرست مراجع و أعلام

از نقاط مثبت کتاب این است که علاوه بر فهرست منابعی که در پایان آن ذکر شده، فهرستی هم از منابع که در هر فصل مورد استفاده قرار گرفته در پایان آن فصل ذکر شده است. یکی دیگر از نقاط مثبت کتاب داشتن فهرست اعلام مفصلی است که دربرگیرنده تمامی اشخاص، اماکن، کتاب‌ها، مجلات، مراکز علمی، و چاپ‌خانه‌هایی است که اسم‌های آن‌ها در کتاب ذکر شده است.

۲،۳ بررسی محتوایی

۱،۲،۳ تحلیل روش‌شناختی اثر

۱،۱،۲،۳ رویکرد نویسنده

منظور از رویکرد در این‌جا رویکردی است که نویسنده به عنوان یک ناقد و تحلیل‌گر مباحث تاریخ ادبیات برای تحلیل‌های خود انتخاب کرده است. رویکردی که در این کتاب برای ارائه تحلیل‌ها وجود دارد تقریباً همان رویکرد غالب اول نیمه قرن بیستم است. در این دوره، اغلب نویسندگان و ناقدان ادبیات عربی پژوهش‌های خود را بر اساس رویکرد «علمی-ادبی» تألیف می‌کردند. پیشگام این رویکرد در ادبیات اروپایی لانسون فرانسوی و در ادبیات عربی طه حسین است. طه حسین معتقد است که بر اساس این رویکرد نویسنده در نگارش تاریخ ادبیات «نمی‌تواند فقط بر روش‌های علمی پژوهش تأکید کند، بلکه ناچار است که ذوق خود را در تحلیل نیز به کار گیرد» (مرزوق، ۱۹۸۳: ۴۷۰).

از نظر طه حسین تاریخ ادبیات هم باید دارای لطافت و ذوق ادبی باشد تا زیبایی ادبیات را به مردم بچشاند و هم باید علمی باشد تا بتواند پدیده‌های تاریخی را کشف و تفسیر کند و روابط میان آن‌ها را بیان کند (حسین، ۱۹۳۳: ۴۶). طه حسین از یک طرف مورخی را که فقط به صورت تاریخی ادبیات را بیان می‌کند و از زیبایی آن تأثیر نمی‌پذیرد و آن را تذوق نمی‌کند، رد می‌کند و از سوی دیگر نویسنده‌ای را که فقط مقیاس ذوق را وسیله‌ای برای تحلیل‌های خود قرار می‌دهد، نمی‌پذیرد (حسین، ۱۹۳۳: ۴۶). «تاریخ ادبیات هم باید از اغراق در علم دوری کند و هم باید از اغراق در فن... بلکه باید حد وسط میان آن دو را برگزیند» (همان: ۴۷).

انیس مقدسی هم تقریباً در تمامی پژوهش‌های خود در حوزه تاریخ ادبیات و تحلیل آن از این رویکرد استفاده کرده است. او در این کتاب و سایر پژوهش‌هایش از یک سو با مراجعه به اسناد و سایر پژوهش‌های موجود و با روحیه کشف و تحلیل به بررسی علمی نویسندگان و ادبا و آثارشان پرداخته و از سوی دیگر با ذوق ادبی خود تلاش کرده تا ویژگی‌ها و زیبایی‌های ادبی آثار آنان را به نمایش بگذارد. در واقع یکی از ویژگی‌های بارز این اثر و همچنین سایر آثار انیس المقدسی این است که علاوه بر جنبه ارزشمند تاریخی این آثار، منابع ارزشمندی برای تحلیل ادبی آثار ادبا به شمار می‌روند و نویسنده به خوبی نقد ادبی و تاریخ ادبیات را در آثار خود آمیخته است.

۲،۱،۲،۳ روش نقدی نویسنده

هرچند انیس المقدسی بیش‌تر به عنوان یک نویسنده مشهور است، اما در واقع یک ناقد ادبی نیز محسوب می‌شود و دیدگاه‌های قابل توجهی در حوزه نقد ادبی عربی دارد. اشراف او به نظریات و روش‌های نقدی جدید در عصر خود سبب شده است تا در پژوهش‌های تطبیقی خود نیز از روش‌های نقدی استفاده کند.

به طور کلی مقدسی در پژوهش‌های خود از همه روش‌های نقدی مثل روش فنی، تاریخی، اجتماعی، و روان‌شناسی استفاده کرده است. اما نقد جامعه‌شناسی بر سایر روش‌های او غلبه دارد (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۶). این روش در اواخر نیمه اول و اوایل نیمه دوم قرن بیستم از روش‌های غالب نقد ادبی عربی بوده است و ناقدان ادبا را به تأمل در خارج از ذات و محیطشان دعوت می‌کردند (محمد عیاد، ۱۹۹۳: ۲۶). روش غالب در کتاب *الفنون الأدبیه و اعلامها* روش فنی و روش جامعه‌شناختی است.

نویسنده در مباحث نخستین کتاب شرایط سیاسی، اجتماعی و علمی آن عصر را بررسی کرده است و معتقد است که این شرایط تأثیر زیادی در شعر و نثر آن دوره داشته است. در بررسی ادبا نیز شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر آنان را یک‌به‌یک بررسی کرده و توضیح داده است.

از نظر روش فنی نیز مقدسی هم به ویژگی‌های بلاغی و لغوی قدیم در آثار ادبا توجه کرده و هم بر اساس عناصر ادبی جدید مثل خیال، اسلوب به تحلیل آثار ادبی پرداخته است. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ادبا و ناقدان گرایش زیادی به نقد لغوی داشتند و تلاش می‌کردند تا ضعف‌های لغوی معاصرانشان را تحلیل کنند (زیتونی، ۱۹۷۸: ۱۶). برای مثال مقدسی در بررسی ادبا در این کتاب به برخی از ویژگی‌های لغوی آنان اشاره کرده

است. مثلاً درباره منفلوطی به توانایی او در کاربرد الفاظ اشاره کرده و چندین مثال از عبارتهای او ذکر کرده است که تسلط او را نشان می‌دهد (مقدسی، ۱۹۹۰: ۲۹۶). یا درباره اسلوب شدیاق، که ویژگی‌های الفاظی را ذکر می‌کند (همان: ۱۷۴).

مقدسی در این کتاب علاوه بر استفاده از روش فنی در چهارچوب سستی آن، از این روش در چهارچوب جدید نیز برای تحلیل استفاده می‌کند. برای مثال در توضیح اسلوب انشایی جبران خلیل جبران می‌گوید: گستره خیال از مهم‌ترین جنبه‌های اسلوب فنی جبران است. در واقع میان ادبیات باشکوه و ادبیات عادی فرقی به جز قدرت خیال‌پردازی نیست. در این زمینه گویی که اوصاف جبران در نوشته‌های نثری‌اش قصیده‌های زیبایی‌اند که خواننده متحیر در مقابل عمق خیال‌پردازی آن‌ها می‌ایستد (المقدسی، ۱۹۹۰: ۳۲۹).

درباره اسلوب ترسل رافعی هم می‌گوید:

رافعی اسلوب خاصی در نگارش دارد که پیچیده و مبهم است که این ناشی از بدی ترکیب‌هایش در نوشتن نیست؛ چرا که قلمش عبارت‌ها را با قدرت می‌نگارد طوری که در آن‌ها سستی و ضعف نیست. او به این افتخار می‌کند که هدفش بازگرداندن فصاحت گذشته عربی است و حقیقتاً هم شایسته این فخر ورزیدن است. با وجود این هر کس که تألیفات او را مطالعه می‌کند نوعی از دشواری در پی‌گیری افکار او را در آثارش احساس می‌کند؛ زیرا اغلب مجبور است که در مقابل عبارت‌های آن بایستد و با دقت هرچه بیشتر در آن‌ها تأمل کند تا مفهوم و اهداف آن‌ها را دریابد. به نظر می‌رسد که علت این دشواری این است که رافعی تلاش می‌کند تا معانی، الفاظ، و تراکیب غیرمأنوس و غریب را به کاربرد (همان: ۳۱۲).

مقدسی در این کتاب، هم از نقد اجتماعی استفاده کرده است و هم از نقد فنی در چهارچوب سستی و جدید آن.

۲,۲,۳ میزان تناسب و جامعیت محتوا و موضوع این اثر با سرفصل‌های برنامه درسی

این کتاب با هیچ‌یک از سرفصل‌های موجود در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی مطابقت کامل ندارد. البته تقریباً هیچ کتابی به صورت کامل با سرفصل‌های دروس متون نظم و نثر و تاریخ ادبیات در دوره معاصر عربی مطابقت کامل ندارد. اما با توجه به این‌که در این کتاب پیشگامان نثر عربی در اواخر قرن هجدهم و نیمه اول قرن بیستم بررسی شده‌اند، مدرسان می‌توانند از این کتاب به عنوان منبع فرعی در درس «متون نثر دوره معاصر ۱» برای آشنایی دانشجویان با اعلام نثر در دوره‌های نخستین شکل‌گیری فنون نثر

عربی و ویژگی‌های اسلوبی آنان، استفاده کنند. برای آشنایی با نویسندگانی مثل جبران خلیل جبران، منفلوطی، ابراهیم المازنی، ناصیف الیازجی، بطرس البستانی، و احمد فارس الشدیاق که جزو مباحث سرفصل «متون نثر در دوره معاصر ۱» است، می‌توان از این کتاب استفاده کرد. این کتاب همچنین می‌تواند به عنوان منبع فرعی درس «تاریخ ادبیات معاصر عربی» برای معرفی بخش تاریخ ادبیات نثر عربی در کنار سایر منابع قرار گیرد. در مقطع کارشناسی ارشد در سرفصل «تاریخ ادبیات یا متون ادبی معاصر» یا سرفصل «نثر عربی در دوره معاصر» که در برخی دانشگاه‌ها وجود دارد، نیز می‌توان از این کتاب در کنار منابع دیگر استفاده کرد.

۳,۲,۳ میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن

اولین نکته‌ای که با مشاهده عنوان کتاب به ذهن خواننده می‌رسد این است که این کتاب فنون ادبی شعر و نثر را بررسی می‌کند، اما با مطالعه کتاب مشخص می‌شود که کتاب فقط به بررسی فنون نثری پرداخته است. البته خود نویسنده در مقدمه کتاب ذکر کرده است که،

این کتاب به بررسی فنون نثری در ادبیات حدیث اختصاص یافته است ولی ما در بررسی پیشگامان ادبی، به فنون نثری مقید نشده‌ایم، بلکه اعلام پیشگام فن شعر را هم بررسی کرده‌ایم و عذر ما هم این است که فنون نثری در دوره این پیشگامان شعری هنوز پخته نشده بود و بعد از آنان توسط برخی از نویسندگان نخبه به اوج رسید.

در این کتاب ابتدا فصلی با نام «اعلام الرواد» آمده است که چهار شاعر و ادیب برجسته این عصر ناصیف یازجی، رفاعه طه‌طهاوی، احمد فارس الشدیاق، و بطرس بستانی در آن بررسی شده‌اند. بعد از این فصل به ترتیب فنون نثری مقاله، خطابه، قصه، شرح حال‌نویسی، و نقد ادبی به همراه اعلام هریک بررسی شده است. به نظر می‌رسد هرچند فصل اول کتاب ۱۵۰ صفحه به خود اختصاص داده است، اما عنوان «الفنون الأدبیه» عنوانی کلی است که بهتر است به «الفنون الثریة» تغییر یابد.

۴,۲,۳ نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر

لازم است چند نکته درباره انسجام فصل‌های این کتاب ذکر شود:

- در بررسی فنون نثری، نویسنده به خوبی ابتدا پیشینه آن فن را در ادبیات قدیم عربی شرح داده است. سپس چگونگی شکل‌گیری و تحول آن را در ادبیات جدید عربی بررسی کرده است. بعد از هر فصل نیز منابع آن فصل را ذکر کرده است. تنها اشکالی که

در این قسمت می‌توان گرفت این است که منابع فصل قصه و شرح حال نویسی و نقد ادبی باهم بعد از فصل نقد ادبی ذکر شده است که طبق روندی که خود مؤلف انتخاب کرده است بهتر بود بعد از هر فصل منابع به صورت جداگانه ذکر شود.

با مطالعه عنوان، مباحث فصل اول یعنی عصر پیشگامان و مباحث فصل‌های بعدی، که درباره فنون نثری است، خواننده دچار نوعی سردرگمی می‌شود که هدف این کتاب چیست؟ اگر هدف بررسی فنون ادبی شعر، نثر، و اعلام آن است که تقریباً ۶۰ درصد کتاب به بررسی فنون نثری پرداخته و خود نویسنده هم در مقدمه ذکر کرده است که برخلاف این که کتاب عنوان فنون ادبی را دربردارد، ولی به فنون نثری اختصاص یافته است. اگر هدف بررسی فنون نثری است، به نظر فصل یک که حدود ۲۵۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است و درباره چهار ادیب پیشگام در قرن هجدهم (قرن شروع نهضت ادبی عربی) به نظر چندان ارتباطی با مباحث اصلی کتاب ندارد. با توجه به این که خود نویسنده ذکر کرده است که در عصر این چهار نویسنده (قرن هجدهم) هنوز فنون نثری جدید عربی شکل نگرفته بود، می‌توان عنوان این فصل را به «أعلام النثر فی عصر الرواد» تغییر داد تا این فصل ارتباط بیش تری با فصل‌های بعدی داشته باشد.

در فصل مربوط به فن نقد ادبی هم نویسنده همانند فنون دیگر به بررسی مفصل اعلام آن نپرداخته است و فقط در دو صفحه به صورت خیلی مختصر اعلام این فن را ذکر کرده است که از این نظر، انسجام بین فصول از بین رفته است.

مباحث مطرح شده در این کتاب نیز همانند بسیاری از کتاب‌های حوزه تاریخ ادبیات و نقد ادبی عصر نگارنده چندان به صورت دقیق و مستقل از یکدیگر نیستند. برای مثال نویسنده در بررسی اعلام فن مقاله نویسی به بررسی نظرات نقدی برخی از آنان در حوزه نقد ادبی عربی نیز می‌پردازد. برای نمونه، در بررسی اعلام فن مقاله به بررسی نظرات نقدی شکیب ارسلان، مصطفی رافعی، و عمر فاخوری نیز می‌پردازد و به نوعی علاوه بر فن مقاله، فن نقد ادبی را نیز در آثار آنان بررسی می‌کند که البته این نکته عیب به حساب نمی‌آید؛ زیرا اغلب ادبا و نویسندگان آن دوره هر کدام در یک یا چند فن ادبی تخصص داشته‌اند.

۵،۲،۳ رعایت بی‌طرفی نگارنده در نقد و رعایت امانت

یکی از ویژگی‌های بارزی که در آثار انیس المقدسی به چشم می‌خورد جنبه بی‌طرفی او در نقدها و تحلیل‌هاست. مقدسی در نقدها و تحلیل‌هایش عادل و بی‌طرف است. نظرات

او از تعصب سرچشمه نمی‌گیرد. اگرچه در این کتاب برخی از ناقدان امثال شکیب ارسلان، رافعی، و فاخوری را نقد کرده است، اما نقدهایش به درگیری‌های نقدی لفظی که در نیمه قرن بیستم بین ناقدان عرب رایج بود، وارد نشده است. زبان نقدی و تحلیلی او به دور از رکاکت است.

درباره امانت‌داری انیس المقدسی می‌توان گفت: برخلاف این که نویسنده، به سبب آثار زیادی که در حوزه تحلیل و نقد آثار ادبی دارد، دارای شهرت زیادی است و هم‌عصر نویسندگان و ناقدان بزرگی مثل مندور، سید قطب، زکی مبارک، شوقی ضیف و ... بوده است، اما در این اثر و سایر آثارش، از پژوهش‌های هم‌عصرانش استفاده کرده و با امانت‌داری به همه آنها ارجاع داده است.

از نظر ارجاع‌دهی نویسنده همانند اکثر نویسندگان و ناقدان هم‌عصر خود ارجاعات درون‌متنی زیادی ندارد و فقط در مواردی که به صورت مستقیم از منابع دیگر استفاده کرده است یا این که نیاز به توضیح بیش‌تر و مراجعه به منابع اضافی داشته است، به منابع دیگر ارجاع داده است.

۶،۲،۳ میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر از جهت ارجاع به منابع جدید

داده‌ها و اطلاعاتی که در این کتاب به خوانندگان عرضه شده است نتیجه استفاده از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع عصر نویسنده است. تقریباً نویسنده از تمامی منابع عصر خود در حوزه فنون ادبی، پژوهش‌های ادبی و نقد ادبی استفاده کرده است. لیست منابع پایان کتاب در دو حوزه ذکر شده است: حوزه اول «پژوهش‌هایی درباره داستان، نمایش‌نامه، و شرح حال‌نویسی» و حوزه دوم «پژوهش‌هایی درباره نقد ادبی» است. در هر دو حوزه نویسنده تقریباً از تمامی منابع اصلی نویسندگان هم‌عصرش مثل محمد تیمور، احسان عباس، محمود تیمور، سهیل ادیس، محمد مندور، مارون عبود، طه حسین، عزالدین اسماعیل، احمد شایب، عمر فاخوری، محمد عبدالمنعم خفاجی، زکی مبارک، احمد امین، و سید قطب استفاده کرده است. هرچند بعد از گذشت حدود نیم قرن از چاپ اول این کتاب، منابع جدیدتری در این زمینه تألیف شده است.

۷،۲،۳ نوآوری و ارزش علمی اثر

در چند مورد می‌توان به ارزش علمی و نوآوری این کتاب اشاره کرد: به نظر می‌رسد که این کتاب اولین کتابی باشد که فنون نثری و اعلام آن را در

عصر مؤلف بررسی می‌کند. هرچند بسیاری از ادبایی که در این کتاب بررسی شده‌اند در آثار دیگر نیز بررسی شده‌اند، اما باتوجه به این که این کتاب بر جنبه‌های نثری آثار آنان تکیه کرده است و آنان را در چهارچوب فنون نثری بررسی کرده، جدید و ارزشمند به شمار می‌آید.

تمرکز نویسنده بر چهار فن نثری سبب شده است تا امکان بررسی تعداد زیادی از اعلام این فنون در این کتاب فراهم شود. امری که سبب شده است این کتاب به یکی از منابع مهم و اولیه پژوهشگران حوزه نثر عربی تبدیل شود.

این کتاب فقط یک مجموعه گردآوری شده از اطلاعات تاریخی درباره فنون نثری و اعلام آن نیست؛ بلکه با توجه به این که نویسنده خود ناقد ادبی است و از دیدگاهها و روش‌های نقد ادبی آگاه است، کتاب پر است از تحلیل‌ها و نظرات ناقدانه ارزشمندی که از یک سو اطلاعات خوانندگان را بالا می‌برد و از سوی دیگر شیوه نقد و تحلیل را به آنان می‌آموزد. در این کتاب، دیدگاه‌های ارزشمندی به‌ویژه در بخش فن نقد ادبی درباره نقد ادبی قدیم و جدید عربی مطرح شده است. نویسنده در این بخش از یک سو ابتدا دیدگاه‌های نقد ادبی عربی جدید را درباره مشکلات شعر عربی معاصر بیان می‌کند و از سوی دیگر به عنوان یک ناقد درباره هر کدام نظر شخصی‌اش را با ذکر دلیل بیان می‌کند.

روحیه نقدی نویسنده در سراسر کتاب موج می‌زند. او در بررسی برخی از اعلام ادبا وارد عرصه «نقد النقد» نیز می‌شود و به نقد و بررسی آرای نقدی برخی از ادبای ناقد می‌پردازد. برای مثال در نقد دیدگاه‌های نقدی شکیب ارسلان می‌گوید:

شکیب ارسلان در نقد نیز دستی دارد. نگاه او دقیق و موشکافانه است. کسی که به آثار وی مراجعه می‌کند دو هدف را در نقدهایش می‌یابد. اولی: دفاع از عمود ادبیات قدیم عربی است و دومی: نقد سخنان بیگانگان و نظراتشان درباره زندگی و ادبیات عرب‌هاست (همان: ۲۶۹).

البته باوجود این که برخی نقدهای وی درست و دقیق‌اند، اما روحی که بر آنها حاکم است سنتی و در پی دفاع از قدیم و رد کردن هرآنچه که از خارج به ما برسد. مگر این که آن با دلیل قاطع اثبات شود (همان: ۲۷۰).

مقدسی نظرات عمرفاخوری در نقد ادبی را هم نقد می‌کند و معتقد است که چهارچوب کلی نوشته‌های فاخوری نقد ادبی بوده است. او را یک ناقد ادبی و اجتماعی

به‌شمار می‌آورد. او به نقد نظرات رافعی (همان: ۳۲۱-۳۲۲)، شدیاق (همان: ۱۶۴)، و مازنی (همان: ۳۷۱-۳۷۲) نیز می‌پردازد.

۴. نتیجه‌گیری

رویکرد تحلیلی غالب نویسنده رویکرد علمی-فنی است. او هم به تحلیل تاریخی فنون نثر عربی و اعلام آن پرداخته و هم این‌که با روش‌های نقد ادبی به تحلیل ادبی آن‌ها توجه داشته است. روش نقدی غالب نیز روش فنی و جامعه‌شناختی است.

از جمله نقاط ضعف این اثر می‌توان به هماهنگ نبودن عنوان کتاب با مباحث مطرح شده اشاره کرد. به صورتی که عنوان دلالت بر فنون ادبی دارد، در حالی که کتاب فنون نثری را بررسی کرده است. هم‌چنین بحث دربارهٔ اسلوب شعری چهار پیشگام عصر نهضت، که در فصل اول کتاب آمده است، چندان با فصل‌های بعد و مباحث اصلی کتاب که بررسی فنون نثری است، ارتباط و هماهنگی ندارد.

از جمله نقاط قوت این اثر عبارت است از:

- رعایت قواعد ویرایش و نگارشی؛

- ذکر منابع برای مراجعه در پایان هر فصل؛

- فهرست اعلام اشخاص، اماکن، کتب، روزنامه‌ها، و مراکز علمی که در کتاب ذکر شده است؛

- ارائه روشمند فنون ادبی و معرفی اعلام این فنون و تحلیل آثار و اسالیب ادبی آنان؛

- استفاده از رویکرد علمی-فنی و روش فنی سبب شده است تا نویسنده به تحلیل و نقد فنی آثار و نویسندگان در کنار بررسی تاریخی آن‌ها توجه کند. به گونه‌ای که این کتاب به منبعی از دیدگاه‌های نقدی ارزشمند دربارهٔ این فنون و اعلام آن تبدیل شده است.

- دیدگاه‌های تحلیلی و نقدی انیس المقدسی از تسلط او به نقد سنتی عربی و نقد جدید غربی سرچشمه می‌گیرد. او هم به بررسی ویژگی‌های بلاغی و لغوی ادبا و هم به ویژگی‌های فنی جدید مثل خیال، اسلوب، و عاطفه توجه داشته است.

- یکی از ویژگی‌های بارز نظرات و دیدگاه‌های مقدسی در این کتاب بی‌طرفی نویسنده و رعایت اخلاق علمی است. زبان نقدی مقدسی در این کتاب از رکاکت و تندلی به دور است.

– با این که مقدسی نویسنده‌ای مسیحی است؛ اما این کتاب هیچ‌گونه تعارضی با ارزش‌ها و موازین اسلامی ندارد و در کل، نه در این اثر و نه در آثار دیگر مقدسی هیچ‌گونه نشانه‌ای از تعصب دینی نویسنده یافت نمی‌شود.

۵. پیشنهادها

– عنوان کتاب به *الفنون النثریة و أعلامها فی النهضة العربیة الحدیثة* تغییر یابد؛
– عنوان فصل یک (عصر الرواد) بهتر است به «أعلام النثر فی عصر الرواد» تغییر یابد تا هماهنگی بیشتری با سایر فصل‌ها و مباحث و عنوان کتاب داشته باشد؛
– هرچند نویسنده کتاب وفات یافته است، اما در صورتی که پژوهشگر دیگری قصد بازبینی کتاب را داشته باشد، بهتر است فصل‌های جدیدی درباره فنون نثری جدید به کتاب اضافه کند و منابع کتاب را نیز بعد از یک قرن از چاپ نخست کتاب به‌روز کند؛
– هرچند این کتاب با اهداف آموزشی تألیف نشده است و بیش‌تر یک کتاب پژوهشی به شمار می‌رود، اما از این کتاب می‌توان به عنوان منبع فرعی در درس «متون نثر دوره معاصر ۱» برای آشنایی دانشجویان با نویسندگانی مثل جبران خلیل جبران، منفلوطی، ابراهیم المازنی، ناصیف الیازجی، بطرس البستانی و احمد فارس الشدیاق که جزو مباحث سرفصل «متون نثر در دوره معاصر ۱» هستند، استفاده کرد. این کتاب هم‌چنین می‌تواند به عنوان منبع فرعی در درس «تاریخ ادبیات معاصر عربی» برای معرفی بخش تاریخ ادبیات نثر عربی در کنار سایر منابع قرار گیرد. در مقطع کارشناسی ارشد در سرفصل «تاریخ ادبیات یا متون ادبی معاصر» یا سرفصل «نثر عربی در دوره معاصر» که در برخی دانشگاه‌ها وجود دارد، نیز می‌توان از این کتاب در کنار منابع دیگر استفاده کرد.

منابع

- بروینی، خلیل، حامد صدقی، و دانش محمدی (۲۰۱۲). «أنیس الخوری المقدسی ناقدا (دراسة فی آرائه و مناهجه التقدیة)»، *مجلة اتحاد الجامعات العربیة للأداب*، ج ۱۰، ش ۲.
حسین، طه (۱۹۳۳). *فی الأدب الجاهلی، القاهرة: مطبعة فاروق*.
رمضان یوسف، محمد خیر (۱۳۹۷-۱۴۱۵ هـ). *تکملة معجم المؤلفین وقیات*، بیروت: دار ابن حزم.
الزرکلی، خیرالدین (۱۹۸۶). *الأعلام، المجلد الثانی*، بیروت: دار العلم للملایین.

دانش محمدی و خلیل پروینی ۱۲۵

زیتونی، لطیف (۱۹۷۸). «حركة الترجمة في لبنان في عصر النهضة ۱۸۰۰-۱۹۱۸»، ماجستير، بيروت: الجامعة اللبنانية.

كحالة، عمرضا (۱۹۹۳). معجم المؤلفين، بيروت: مؤسسة الرسالة.

محمد عیاد، شكری (۱۹۹۳). المذاهب الأدبية والتقدیة عند العرب والغریبین، الكويت: عالم المعرفة.

محمدی، دانش (۱۳۸۹). «دراسة آراء أنیس الخوری المقدسی النقدية»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مرزوق، حلمی (۱۹۸۳). تطوّر النقد و التفكير الأدبیّ الحديث فی الربع الأول من القرن العشرين، بيروت: دار النهضة العربية.

المقدسی، أنیس (۱۹۹۰). الفنون الأدبية وأعلامها فی النهضة العربية الحديثة، بيروت: دار العلم للملايين.

